

# ادلب اردوغان: بحرانی انسانی یا بن بست سیاسی

به قلم خلیل الدار (/fa/experts/khlyl-aldar/)

۱۰ اکتبر ۲۰۱۸

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/erdogans-idlib-humanitarian-crisis-or-political-sticking-point

العربية (/ar/policy-analysis/adlb-ardwghan-azmt-ansanyt-am-mht-khlyl-syasy/)

درباره نویسنده

خلیل الدار (/fa/experts/khlyl-aldar/)

الدار خلیل سیاستمدار کرد سوری و عضو کمیته اجرایی جنبش جامعه دموکراتیک در روجاوا (فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه) است



تحلیل کوتاه

رئیس جمهور ترکیه در اظهارات و موضع‌گیری‌های علنی خود معمولاً جهان را بر مبنای درک و منفعت شخصی به دو بخش تقسیم می‌کند: جهان خیر و جهان شر. کسانی که در کنار او و آرمان‌های او می‌ایستند چه مشروع و چه نامشروع در دسته اول جای می‌گیرند اما هر گونه مقاومتی از جمله ایستادگی در برابر میل به سلطه و ستم بر دیگران به مثابه شر و یا دقیق‌تر اگر بگوییم به عنوان تروریست دسته‌بندی می‌شود.

در پی نبردها در حلب و جنوب دمشق و تجاوز ارتش ترکیه به عفرین و اشغال آن روشن است که نبرد ادلب باعث تغییرات مهم و پیچیده‌ای در بحران سوریه در تراز منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد شد. همزمان با آغاز این نبرد به نظر می‌رسد ائتلاف‌ها و منافع در خصوص آینده شمال سوریه نیز در شرف تغییر است و موضع آشکار دولت ترکیه در نقش داشتن در این تغییرات مستلزم فاصله گرفتن ترکیه از ادعاهای بشردوستانه است.

مقاصد اردوغان در ادلب باید در این چارچوب مطالعه شود. اردوغان به‌تازگی موضع‌گیری ظاهراً روشنی در قبال آینده شمال سوریه داشته است اما ناظرانی که مواضع داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی او در خصوص سوریه را در سال‌های گذشته دنبال کرده‌اند طیف وسیع‌تری از اقداماتی قابل قبول را خواهند یافت که مبنای آن‌ها منافع شخصی اردوغان است. بازیگران بین‌المللی در اروپا و ایالات متحده نباید فریفته ظاهر این ادعاها شوند و به نفع مردم سوریه خواهد بود که جامعه بین‌المللی فقط به لفاظی‌های بشردوستانه دولت ترکیه نگاه نکند. جامعه بین‌المللی باید درک خود از مقاصد ترکیه در سوریه و پاسخ خود به آن را بر مبنای تحلیل اقدامات این کشور در درون مرزهای سوریه -همسایه جنوبی‌اش- شکل دهد.

اردوغان در مقاله خود در *وال استریت ژورنال* با عنوان «جهان باید مانع اسد شود» (<https://www.wsj.com/articles/the-world-must-stop-assad-1536614148>) چشم‌اندازی از ادلب ارائه می‌دهد که برای پسند ذائقه مخاطبان بین‌المللی و مشخصاً مخاطبان غربی طراحی شده است. در این مقاله آقای اردوغان استدلال می‌کند که جبهه النصره (هیئت تحریر الشام) از «بخشی از جمعیت ادلب» نمایندگی می‌کند و این‌که فقط روش ترکیه در مقابله با تروریسم که مردم ادلب به آن نیاز دارند می‌تواند مانع از خونریزی نالازم شود. این استدلال از سوی وزیر خارجه دولت اردوغان مولود چاوش‌اوغلو نیز مطرح شده تا چنین القا شود که فقط ائتلافی که شامل ترکیه نیز باشد می‌تواند با تروریست‌ها مقابله کند و مانع از بروز قتل‌عام شود.

این استدلال با تمرکز بر یک گروه تروریستی موجودیت بخش بزرگی از گروه‌های افراطی را که تحت شاخه‌ها و نام‌های مختلف در ادلب

فعالیت می‌کنند نادیده می‌گیرد. شمار افراد این گروه‌ها که با ایدئولوژی القاعده پیوند دارند حداقل ده هزار نفر است. توانمندی مستمر آن‌ها در فعالیت در ادلب برای منطقه و جهان تهدیدی به مراتب بزرگتر از آن است که در اظهارات اردوغان تبلور یافته است. واقعیت پیچیده و نگران‌کننده در ادلب این است که - در کنار جمعیت قابل توجهی از غیرنظامیان - گروه‌های تروریستی مختلفی که از سایر مناطق سوریه رانده شده‌اند در ادلب گرد هم آمده‌اند و جامعه بین‌المللی از دامنه عملیات آن‌ها و یا ادغام آن‌ها در جمعیت کلی منطقه اطلاعات ناچیزی دارد.

در نتیجه نبرد ادلب پیچیده و چالش‌برانگیز خواهد بود. اما اردوغان با برداشتهای گزینشی خود از معنای «تروریسم» فقط وضعیت موجود و اقدامات مناسب برای مقابله با این تهدید را سیاست‌زده‌تر می‌کند. علاوه بر این سابقه ترکیه در سوریه نشان نمی‌دهد که نیروهای نظامی این کشور بتوانند به عنوان یک نیروی ناظر برای حفاظت غیرنظامیان ادلب در برابر نقض حقوق انسانی‌شان عمل کنند. بهتر آن است که منافع دولت ترکیه در موضع‌گیری‌هایش درباره ادلب همانند اهداف دیگر قدرت‌های منطقه‌ای دخیل در مناقشه در نظر گرفته شود. آقای اردوغان با توجه به این که کشورش به جمعیت بزرگی از مهاجران پناه داده بارها از این امر بشردوستانه به عنوان اهرمی برای دستیابی به مقاصد سیاسی استفاده کرده است. اما در مقابل اقدامات او نشان می‌دهد که دغدغه او نسبت به وضعیت سوری‌های باقیمانده در سوریه فراتر از این نیست که آن‌ها چقدر در حمایت از اهداف شخص او به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای نقش خواهند داشت.

در حال حاضر راهبرد اردوغان مستلزم آن است که او در برابر متحدین دیروزش - روس‌ها و رژیم سوریه - بایستد تا اطمینان یابد که ترکیه در شکل‌دهی به مرزهای جنوبی خود جایی که ادلب واقع است سهمی دارد. اما هیچ نهاد بین‌المللی نباید استفاده اردوغان از توجیحات بشردوستانه را برای دخالت در سوریه مبنی بر این که نگران حفاظت از حقوق بشر است قابل اتکا تصور کند. چنان که نباید به او اجازه داده شود که از وجدان جامعه بین‌المللی طلبکار باشد تا به قیمت از دست رفتن آنچه برای شهروندان ادلب و سوریه در کلیت این کشور بهترین است به اهداف سیاسی خود برسد.

عفرین مثال برجسته دخالت دولت ترکیه در سوریه است و وضعیت آن فراموش شدن نیست چرا که تقابل میان لفاظی‌های بشردوستانه اردوغان و اقدامات نظامی ترکیه را در عمل به نمایش می‌گذارد. شماری از سازمان‌های بین‌المللی امدادسانی از خشونت‌های مختلف بر ضد غیرنظامیان در جریان نبرد و پس از آن از جمله غارتگری و حمله به بیمارستان اصلی عفرین گزارش داده‌اند. تازه‌ترین گزارش سازمان ملل که با عنوان «گزارش کمیسیون مستقل تحقیقات درباره جمهوری عربی سوریه»

<https://www.ohchr.org/en/hrbodies/hrc/iicisyrria/pages/independentinternationalcommission.aspx>) در تاریخ ۱۳

سپتامبر ۲۰۱۸ منتشر شد. حمله ارتش ترکیه به غیرنظامیان بیگانه در عفرین را از طریق مصاحبه با صدها نفر مستند کرده است. دولت ترکیه حملات هوایی و زمینی خود را در جریان عملیات «شاخه زیتون» در اوایل ۲۰۱۸ نیز با ادعای مبارزه با تروریسم توجیه کرده است. اوضاع عفرین اما نشان می‌دهد که نیروهای ترکیه نمی‌توانند جایگزینی قابل اعتماد برای نیروهای روسیه یا نیروهای رژیم سوریه در ادلب محسوب شوند.

اردوغان همچنین نشان داده که وقتی سیاست‌های اسد با اهداف راهبردی ترکیه همخوان است دغدغه چندان نسبت به وضعیت انسانی ندارد. زمانی که شمار زیادی از غیرنظامیان در جریان عملیات ظاهراً ضد تروریستی رژیم اسد در «دوما» و «دریا» و جنوب دمشق به قتل رسیدند اردوغان واکنش تندی نشان نداد. دشوار است که بفهمیم چه فرقی میان این شهرها با ادلب وجود دارد مگر اینکه بدانیم پیشروی نیروهای رژیم سوریه به سمت مرز ترکیه به نفع اردوغان نیست.

مسئله ادلب برای جامعه بین‌المللی که به جلوگیری از خونریزی نالازم علاقه‌مند است موضوعی است به شدت آزارنده. اما راه حل آن بی‌شک این نیست که این واقعیت نادیده گرفته شود که ادلب در حال حاضر به پایگاهی برای شماری از گروه‌های تروریستی بدل شده و بسیاری از سه میلیون غیرنظامی ساکن ادلب زیر حاکمیت این گروه‌ها در رنج اند. جامعه بین‌المللی هم نمی‌تواند توصیه‌های یک طرف دخیل در وضعیت مثل اردوغان را بدون در نظر داشت اقدامات او بپذیرد. به جای آن طرف‌هایی که به راستی مسایل بشردوستانه را بر منافع سیاسی ارجح می‌دانند باید با کار مشترک اطمینان یابند که وقتی که ادلب از شر گروه‌های تروریستی خلاص شود حقوق شهروندان سوری حفظ خواهد شد.

\*الدار خلیل سیاستمدار کرد سوری و عضو کمیته اجرایی جنبش جامعه دموکراتیک در روژاوا (فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه) است.

\*این مقاله در تریبون آزاد فکره از ستون‌های بخش عربی وبسایت انستیتو وانسگتن منتشر شده است. نظرات بیان‌شده از سوی نویسندگان این تریبون آرای شخصی هر یک از نویسندگان است و لزوماً مورد تایید انستیتو کارمندان آن هئیت امن و هیئت مشاوران آن نیست.



## RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

### Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

أوریة ٢٠٢٢ ١١



Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



BRIEF ANALYSIS

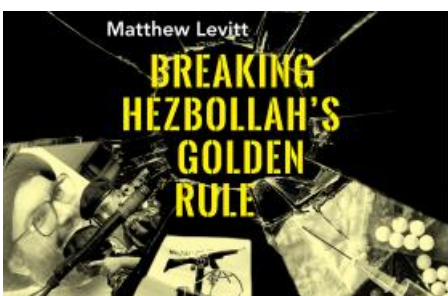
### Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

أوریة ٢٠٢٢ ١١



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

### Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

أوریة ٢٠٢٢ ٩



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)

